

## نگرش ها و اصول بینامتنی در معماری

۱- ساناز علیاری، ۲- احمد حیدری، ۳- هادی محمودی نژاد

۱- دانشجوی کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد واحد مهدیشهر

۲- استادیار، دانشگاه آزاد واحد سمنان

۳- استادیار، دانشگاه آزاد واحد سمنان

### چکیده

در پرتوی همین باور است که بینامتنیت را باید مفهومی بسیار مسأله ساز و مخاطره انگیز دانست. بینامتنیت نه یک ایده ی نظری محض بلکه رویکرد رادیکال به اندیشیدن در نفس اندیشه و همه ی زمینه ها و پی آمدهای فرهنگی، در مفهوم فراگیر آن، است. از این رو، هر تلاشی در جهت تبیین نظریه ی فکری- فرهنگی معاصر، که نمود بارزش را می توان در نقادی پسا ساختار گرا و شالوده شکن یافت، ما را به مسأله ی بینامتنیت و مفاهیم ملازم آن، از جمله، مکالمه، چند آوایی، تکثر، و تفاوت ره نمون می شود. پس، بینامتنیت صرفاً یک بحث نظری در حوزه ی مطالعات ادبی نبوده، پی آمدهای دامن گیرش کل حوزه ی فکری و فرهنگی را در بر می گیرد، و هر بحثی از نظریه های بینامتنی ما درگیر رویه ی بینامتنی خواهد کرد. (لرستانی- تیر ۱۳۹۴)

کلیدواژه: اصول - بینامتنی- معماری

## مقدمه

بینامتنیت از کشف های بزرگ قرن بیستم است که نگرش نوینی در زمینه رابطه عناصر کهکشان منتها ارئه می دهد و به تعامل و جاذبه میان منتهی می پردازد. درست است که در طول تاریخ همواره منتهای نوین بر پایه منتهای پیشین شکل می گرفتند و منتهای گذشته خود را در آینه منتهای پسین باز می تابانند، اما این موضوع هیچ گاه نظر محققان را به طور جدی به خود جلب نکرده و حوزه مطالعاتی مستقلی را به خود اختصاص نداده، نظریه ای طرح نشده و برای آن نیز واژه ای ابداع نگردیده بود. (نامور مطلق-۱۳۹۰-ص ۱۰)

سرانجام در قرن بیستم یولیا کریستوا، بانوی مهاجری از بلغارستان در سرزمین فرانسه، با کوله باری از دستاوردهای اروپای شرقی و بهره گیری از فضای فکری و فرهنگی اروپای غربی به این مهم دست یافت. در نتیجه، پیوند پنهان منتها به روشنی ترسیم شد، حوزه ای از مطالعات نوین گسترده گردید، واژه ها و اصطلاحاتی برای این نظریه و رهیافت جدید در مطالعات علوم انسانی ابداع شد و رویکردی نوین فراروی محققان و منتقدان همه حوزه های دانش به ویژه ادبیات و هنر قرار گرفت. هر چند بر اساس اصل اولیه بینامتنیت، باید اذعان کرد که قطعاً پیش زمینه ها و پیش منتهایی برای نظریه او وجود داشت. گذشته از میخائیل باختین به عنوان شاخص ترن چهره پیشابینامتنیت، می توان از فرمالیست های روسی، مکتب پراگ، مکتب کپنهاگ و بسیاری دیگر از گرایش ها و جریان های نظری به ویژه در حوزه مطالعات ادبی و هنری به عنوان ریشه ها و پیش منتهای بینامتنیت یاد کرد. (نامور مطلق-۱۳۹۰-ص ۱۰-۱۱)

## ۲- تعاریف

### ۲-۱- تعریف بینامتنی در لغت

شکل گیری معنای متن توسط متون دیگر است. این می تواند شامل استقراض و دگردیسی متنی دیگر توسط مولف یا ارجاع دادن خواننده به متنی دیگر باشد. (النص الغائب، عزام، ۲۰۰۱، ص ۲۹)

بینامتنی به معنی شکل یافتن متنی جدید بر اساس متون معاصر یا قبلی است به طوری که متن جدید فشرده ای از تعدادی از متون که مرز بین آنها محو شده می باشد و ساختارش به شکلی تازه شود و به طوری که از متون قبلی چیزی جز ماده آن باقی نمانده است و اصل آن در متن جدید پنهان شده و تنها افراد خبره توان تشخیص آن داشته باشند. برخی بر این باورند که اصطلاحاتی چون اقتباس، تضمین، تلمیح، اشاره، مناقضات، سرفات، معارضا و ... در میراث ادب عربی تا حدودی با مفهوم بینامتنی همپوشانی دارند. (النص الغائب، عزام، ۲۰۰۱، ص ۴۲)

### ۲-۲- تعریف بینامتنی در اصطلاح:

تناس بر وزن تفاعل است که بر مشارکت و تداخل دلالت دارد؛ و درواصطلاح یعنی این که یک متنی پیشین در متنی جدید داخل شود، پس تناس عبارتست از " روی-دادن رابطه-ی تفاعلی بین متن پیشین و متن حاضر، برای تولید متن لاحق (آتی)

غذامی در تعریف تناس آورده است، " تناس در اصطلاح یعنی این که چند متن در یک متن دیگر بدون در نظر گرفتن زمان و مکان، داخل شوند.

اصطلاح تناص و یا بینامتنی، ترجمه‌ی مصطلح غربی (Intertextualite) به معنی اندیشه‌ی انتقال معنییا لفظ یا هردو از یک متن به متن دیگر و یا ارتباط متنی با متن یا متون دیگر می‌باشد. (لرستانی، تیر ۱۳۹۴)

بینامتنیت از رایج ترین اصطلاحات مورد استفاده و سوء استفاده در واژگان نقادی معاصر است. امروزه اصطلاح بینامتنیت تعاریفی آن چنان گوناگونی پیدا کرده که خویشاوند اصطلاحاتی چون «تخیل»، «تاریخ»، یا «پسامدرنیسم» به شمار می‌رود (گراهام آلن، ص ۱۳)

### ۳- تاریخچه بینامتنیت<sup>۱</sup>:

نخستین بار توسط ژولیا کریستوا در دهه ۶۰ مطرح شد و سپس توسط افرادی چون رولان بارت، ژرار ژنت و دیگران بسط و گسترش یافت.

" بینا متنیّت یاد آور این نکته است که متون همگی به طور بالقوه متکثر بازگشت پذیر در معرض پیش پنداشتهای خاص خواننده ، فاقد مرزهای روشن و تعریف شده و همواره درگیر بیان یا سرکوب آواهای مکالمه ای موجود در جامعه اند. بینامتنیت به عنوان اصطلاحی که پیوسته به عدم یگانگی ، وحدت ، و از این رو اقتدار بی چون و چرا اشاره دارد، همچنان ابزار توانمندی در دایره واژگان نظری هر خواننده ای است." (گراهام آلن ، ص ۸ - ۲۹۷)

به اعتقاد کریستوا هیچ متنی مستقل از سایر متن ها نبوده و با ارجاع به متون دیگر شکل می گیرد . بر این اساس بینامتنیت به بررسی نحوه حضور یک متن در متن دیگر می پردازد و با حذف مفاهیمی چون مولف ، تاریخ و جامعه متن رامستقل از مولف لیکن وابسته به متن های دیگر در نظر گرفته می گیرد . به عبارتی در بینا متنیّت تداوم ویا دگرگونی میراث گذشته و ابداعات و نو آوری های روز در روابط و ساختار پنهان یک متن بررسی میشود که می تواند عامل مهمی در درک و دریافت متن و مهم تر از آن شناخت هویت و فرهنگ یک جامعه باشد. بر این اساس هر متنی حافظ سنت و میراث فرهنگی -هنرپیشینیان نمی میباشد. (کنگرانی)

در مطالعات بینامتنی بایده دو نکته توجه داشت اول آنکه پیوستگی و رابطه میان متن ها یا بینامتنیت در دو حوزه طولی (در زمانی ) و افقی (هم زمانی ) قابل بررسی است به عبارتی انسان هم از متن های پیشین و هم از متن های هم عصر خویش بهره می برد . دوم آن که و ارجاع به متون گذشته گاه واضح و صریح قابل دریافت می باشد لیکن گاهی این ارجاع به صورت غیر صریح بوده برای شناخت عنصر وام گرفته شده باید دقت و تامل بیشتری نمود . نکته مهم دیگر این است که محققان اغلب بینامتنیت منحصر به مباحث ادبی میدانند در حالیکه این مطالعه در حوزه های مختلف هنر چون سینما ، تئاتر ، موسیقی ، نقاشی و... نیز قابل تامل است .

"نظریه پردازان معتقدند در دوره پسا مدرن دیگر امکان سخن گفتن از اصالت و یکتایی اثر هنری خواه یک نقاشی و خواه یک رمان وجود ندارد چرا که آثار هنری همگی به صورت آشکار سر هم بستی از خرده ها و پاره های هنر از پیش موجودند ." (گراهام آلن ، مقدمه بینامتنیت؛ ص ۱۱).

وندی استاینر در این رابطه می نویسد :

1- Intertextualite

"تنها با نگرستن به نقاشی ها در پرتو دیگر نقاشی ها با آثار ادبی ، موسیقی و نظایر آن است که قدرت نشانه شناسانه اما گمگشته هنر تصویری میتواند بازیافت شود. البته باید گفت که این قدرت اصلا گمگشته نبوده بلکه صرفا در تلقی قرار دادی از ساختار این هنر غایب بوده است " (همان ماخذ ، ص ۲۵۱)

#### ۴- بینامتنیت در غرب:

پس از طرح بینامتنیت از سوی یولیا(ژولیا) کریستوا، این موضوع با استقبال گسترده بسیاری از نظریه پردازان مواجه شد. همان طور که اشاره گردید، در مرحله نخست با کمک اعضای حلقه «تل کل» بینامتنیت از یک طرح ساده فردی به یک نظریه قابل توجه عمومی تبدیل شد. انتشار آثار کریستوت (به ویژه معناکاوی<sup>۱</sup> و اثلاب در زبان شاعرانه<sup>۲</sup>) و آثار رولان بارت(اس/زد<sup>۳</sup> و برخی از آثار دیگر) تحولات وسیعی را در این عرصه پدید آورد

بینامتنیت به دلایلی چند بسیار سریع در میان محققان رایج گردید و کاربرد بسیار یافت. نخست به دلیل اینکه جامعه علمی منتظرچنین نظریه ای برای پاسخ گویی به برخی پرسش های بی پاسخ بود. دلیل دیگر شباهت نسبی و شاید فریبنده این نظریه با نظریه نقد سنتی (نقد منابع) بود. این دلیل دوم موجب شد تا بسیاری از محققان را یکی بدانند. در صورتی که کریستوا و بارت، بینامتنیت را در مقابل همین نظریات ارائه کرده بودند. بالاخره کار به آنجا رسید که کریستوا، واضع اصلاح بینامتنیت، ترجیح داد که دیگران آن استفاده نکنند و اصلاح «جایگشت» را جایگزین آن نمود. (نامور مطلق-۱۳۸۸-ص ۱۴)

کریستوا دوره مطالعات خود درباره بینامتنیت را سپری کرد و به دیگر حوزه های مطالعاتی پرداخت و رولان بارت نیز در تصادفی کشته شد. با این حال، محققان جوان و برجسته دیگری با نگرش هایی تازه به این حوزه روی آوردند. این عده که از آن ها با عنوان نسل دوم یاد می شود، تغییرات عمده ای در بینامتنیت ایجاد کردند که مهم ترین آن کاربردی کردن رویکرد بینامتنیت بود. علاوه بر نظریه پردازان بینامتنیت، گروه قابل توجهی از کارشناسان و مورخان بینامتنیت نیز پا به عرصه نهادند و کتاب های زیادی درباره چگونگی شکل گیری و تاریخ بینامتنیت نوشتند. در اروپا و به طور کلی غرب نیز پایان نامه ها و رساله های بی شماری با رویکرد بینامتنی به رشته تحریر درآمد. همچنین همایش ها و هم اندیشی های زیادی نیز به این موضوع اختصاص یافت. (نامور مطلق-۱۳۹۰-ص ۱۴-۱۵)

گرچه با سپری شدن پارادایم ساختار گرایی نظریه بینامتنیت رقبای تازه نفسی پیدا کرد، اما با این توجه و رویکرد به بینامتنیت در غرب همچنان تداوم یافت و گرایش های نوینی نیز از آن برخاست.

<sup>2</sup> Semeiotike

<sup>3</sup> La Revolution du language

<sup>4</sup> s/z

## ۵- بینامتنیت در ایران:

مطالعات بینامتنی در ایران هم با تأخیر آغاز شد و هم به یک جریان از آن محدود شد. حتی در برخی از موارد می توان گفت نوعی بینامتنیت ایرانی شکل گرفته است که بیشتر به «نقد منابع» شکل گرفته و یکی از ویژگی های مشترک نظریات کریستوا و بارت نیز تقابل شان با «منتقدان منابع» است. (نامور مطلق-۱۳۹۰-ص ۱۶)

درباره بینامتنیت کتابی با همچین عنوان از گراهام آلن در سال ۱۳۸۰ ترجمه شد که تا مدت ها تنها مرجع علاقه مندان و پژوهندگان این عرصه به شمار می آمد. کتاب یاد شده سهم بزرگی در رواج مطالعات بینامتنی در ایران داشته است. البته این ترجمه دو مشکل اساسی دارد: نخست اینکه از زبان انگلیسی ترجمه شده است. (آلن، ۱۳۸۹) در حالی که بیشترین فعالیت ها و آثار در این حوزه در کشورهای فرانسه زبان به ویژه خود فرانسه شکل گرفته است. دوم اینکه ترجمه آن، به گفته مخاطبان، چندان روان و روشن نیست و این مسئله به دلیل کمبود مراجع و منابع فارسی در این عرصه است که امکان خوانش های تطبیقی برای درک بهتر اثر را سلب کرده است. نگارش مقالات مرتبط با بینامتنیت به زبان فارسی نیز بر غنا و توسعه این موضوع در کشور افزوده است. علاوه ب نوشته های برخی از محققان ارائه نموده اند. (نامور مطلق-۱۳۹۰-ص ۱۷)

گذشته از این ها، کارگاهی با عنوان «بینامتنیت و ترامتنیت در ادبیات و هنر تطبیقی» در تاریخ ۱۳۸۸/۲/۱۶ با سخنرانی راقم این سطور در مجمعه پژوهی نقش جهان برگزار شد. در خارج از کشور نیز چندین سخنرانی از سوی محققان ایرانی در این زمینه ارائه شده است، از جمله آقای دکتر اسداللهی از دانشگاه تبریز در همایشی در این خصوص در فرانسه شرکت کرده و مقالات خود را عرضه کردند. (نامور مطلق-۱۳۹۰-ص ۱۷)

خوشبختانه، فرهنگستان هنر و دانشگاه تبریز موافقت کردند و نخستین همایش بینامتنیت ایران با همکاری دو نهاد در تبریز برگزار شد. در این همایش دو روزه کارشناسان حوزه های هنری و ادبی به بررسی نظری و کاربردی بینامتنیت پرداختند. یکی از اهداف این فعالیت ها، علاوه بر تشریح بینامتنیت به شکل گسترده و در معنای واقعی آن، این بوده است که موضوع بینامتنیت به شکل گسترده و در معنای واقعی آن، این بوده است که موضوع بینامتنیت در کشور ما به سطح تألیف برسد. رسیدن به این سطح در موضوعات مهم نظری از نیازهای ضروری جامعه علمی کشور ماست. (نامور مطلق-۱۳۹۰-ص ۱۷-۱۸).

## ۶- گرایش های بینامتنیت:

امروزه علاوه بر مباحث کلاسیک بینامتنیت که با شدت و ضعف در اینجا و آنجا تداوم می یابد، گرایش های متعدد و نوینی نیز در بینامتنیت شکل گرفته است که به طور خلاصه به مهم ترین این گرایش ها اشاره می شود.

❖ ترامتنیت ژنتی

❖ بیناگفتمانی

❖ بینا فرهنگی

## ۱-۶- ترامنتیت ژنی:

یکی از مهم ترین گرایش های نوینی که در بسیاری از تحقیقات کنونی از آن استفاده می شود، ترامنتیت است. ژنت در ادامه نظریه ها و فعالیت های شخصیت هایی چون لوران ژنی به طرح ترامنتیت پرداخت. ترامنتیت به پنج نوع رابطه ترامنتی قائل است: بینامنتیت، پیرامنتیت، فرامنتیت، سرمنتیت و بیش منتیت. هر یک از این پنج نوع ترامنتی به تبیین گونه ای از روابط میان متنی اختصاص یافته است. رابطه هم حضوری در بینامنتیت؛ آستانه ای- تبلیغی در پیرا منتیت؛ گونه شناسانه در سر منتیت، و بر گرفتگی در بیش منتیت پنج رابطه کلانی هستند که در ترامنتیست مورد توجه و مذاقه قرار می گیرد. (دکتر بهمن نامور مطلق، ۱۳۸۸، ص ۴۳۳)

## ۲-۶- بینا گفتمانی:

یکی از گرایش هایی که بر اثر تلاقی دو جریان فکری و علمی بینامنتیت و گفتمان ایجاد شده، مباحث بینا گفتمانی است. مطالعات گسترده درباره گفتمان که از یک سو توسط محققان و فلاسفه ساختار شکنی همچون فوکو و از سوی دیگر، توسط نشانه شناسانی همچون ژیلبر برگ<sup>۷</sup> و فونتانی<sup>۸</sup> صورت گرفت، موجب شد تا مباحث گفتمانی در عصر پسا ساختار گرایی از رونق قابل توجهی برخوردار گردد. بر این دانش ها باید دیگر دانش های علوم انسانی به ویژه علوم اجتماعی و سیاسی را نیز افزود. (نامور مطلق-۱۳۹۰- ص ۴۳۵)

البته باید خاطر نشان کرد که گفتمان مفاهیم گوناگون و متفاوتی یافته و به یک واژه چند معنایی تبدیل شده است. (نامور مطلق-۱۳۹۰- ص ۴۳۵)

## ۳-۶- بینا فرهنگی و بینا نشانه ای:

بینامنتیت که خاستگاه اصلی آن ادبیات بود، خیلی زود وارد دیگر حوزه ها به ویژه هنر و معماری گردید و محققان بسیاری مطالعات خود را بر روابط بینا نشانه ای ادبیات و یکی از شاخه های هنری متمرکز کردند یا بطور کلی به دور از نظام کلامی به روابط دیگر نظام های هنری همچون موسیقی، نمایشی، تصویری و حجمی پرداختند. این گونه از مطالعات امروزه بیش از گذشته رایج گردیده و بستر پژوهش های فراوانی را فراهم نموده اند. (نامور مطلق-۱۳۹۰- ص 437)

همچنین مطالعه بینامنتیت از خاستگاه نخستین خود یعنی اروپا و غرب نیز خارج شده و در دیگر فرهنگ ها گسترش یافته است. در این گسترش علاوه بر دگرگونی هایی که برای انطباق آن با فرهنگ های دریافت کننده صورت می گیرد، بخشی از این مطالعات به روابط بینامنتیت بینا فرهنگی اختصاص می یابد. فلسفه و نظریه های بینا فرهنگی که چندی است موجب تغییر نگاه در روابط بینا فرهنگی نزد بسیاری از محققان گردیده، مطالعات بینامنتیت بینا فرهنگی را بیش از پیش رایج کرده است. در این زمینه نمی توان نقد و اندیشه شرق شناسانه و پسا استعماری را نیز نادیده گرفت. این نظریه ها بخش مهمی از توجه بینامنتیت رابه خود جلب کرده اند. (نامور مطلق-۱۳۹۰- ص 437)

<sup>7</sup> Gilbert Berg

<sup>8</sup> Henri lafontaine

مجموعه «بینا» های که با بینامتنیت در تعامل اند، به این دو یعنی بینا فرهنگی و بینانشانه ای در تعامل اند، به این دو یعنی بینا فرهنگی و بینانشانه ای محدود نمی شوند، بلکه بیناهایی همچون بینارسانه ای، بینا هنری، و... نیز با بینامتنیت در تعامل بوده و از دستاوردهای یکدیگر بهره مند می گردند. ( نامور مطلق-۱۳۹۰-ص 437)

دانش های تطبیقی و...: بینامتنیت هم در بعد نظری و هم از جنبه کاربردی به عنوان یک روش مورد توجه علوم دیگر نیز قرار گرفته است. از روان شناسی گرفته تا جامعه شناسی و مردم شناسی هم در عرصه نظری و تبیین برخی از نظریات و هم در عرصه عملی و کاربردی برای مطالعه و بررسی مورد استقبال گرم دانش های تطبیقی همچون فلسفه تطبیقی، ادبیات تطبیقی، حقوق تطبیقی و... قرار گرفته است که از دستاوردها و رویکردهای بینامتنی به عنوان روشی برای مطالعات خود بهره می برند. ( نامور مطلق-۱۳۹۰-ص ۴۳۷-۴۳۸)

## ۷- خوانش های بینامتنی تصویری (تأثیر بینامتنی در معماری):

بسیاری از خوانش های انجام شده درباره عناصر بصری و تصویری مربوط به خوانش های بینامتنی است. خوانش های بینامتنی تصویری و تجسمی دارای انواع گوناگونی است، زیرا گاه به متن های معمارانه و گاه به نشان یا حتی مکاتبی که می توانند از نظر مخاطبان مرتبط باشند، ارجاع می دهند. دو دسته بزرگ ارجاعات بینامتنی، یکی معماری به ویژه معماری کویری و دیگری نقاشی سقاخانه ای است البته ارجاعات دیگری نیز وجود دارد که به آن ها نیز به اختصار اشاره خواهد شد. ( نامور مطلق-۱۳۹۰-ص ۴۰۵)

معماری دارای ویژگی های خاص نشانه ای است، زیرا در عین واقعی بودن متنی نیز هست، یعنی هم فضایی برای زندگی است و هم به عنوان یک متن ساخته و پرداخته شده توسط هنرمند و معمار قلمداد می شود. ( نامور مطلق-۱۳۹۰-ص ۴۰۵)

## ۸- پسامدرنیسم و بینامتنیت

در واقع بسیاری از برداشت های مثبت از پسامدرنیسم به این واقعیت رجوع می کند که این باور مدرنیستی که هنر می تواند به نوع آوری فنی پروبال داده و نمودی از یک آمیزه فرهنگی ایده آل را به نمایش می گذارد

به باوری بی اساس شده. این نکته بیش از همه در قلمروی معماری مشهود می شود که بسیاری از منتقدان آن را از سرچشمه های نظریه و رویه ی پسامدرن می دانند. مری مک لدود می نویسد که معماران پسامدرن:

با ایمان مسیحیای جنبش مدرن به نوبدگی مخالفت می ورزند، آنان می گویند که معماران دیگر نمی توانند ساده انگارانه چنین فرض می کنند که نوآوری فن باورانه متضمن یک راه حل زیبایی شناختی و اجتماع جامع و فراگیر است... معماران پسامدرن در تضاد با معماران مدرن قرن بیستم، عموماً به تکثر و تاریخت اهداف خود اعتراف دارند. گذشته نه محکوم و نه نادیده گرفته شده، بل که همچون یک سرچشمه ی صوری و فکری حیاتی به گرمی در آغوش گرفته می شود. سبک های همه ی دوران ها خواه کلاسیک و خواه بومی در معرض تقلید یا باز تأویل قرار می گیرند. (فرهاد فرهمند، ۱۳۸۰)

معماران پسامدرن به جای رویکرد معماری مدرنیستی به شعار نو کنید به شیوه ای عمل می کنند که می توان آن را معماری بینا متنی نامید معماری که سبک های متعلق به ادوار مختلف را در برگرفته و به گونه یی با هم در می آمیزد. (ر.ک، مارشال برمن، ۱۳۸۰، ص ۴۱)

که منعکس کننده ی زمینه های اجتماعی و تاریخی متعددی می باشد که ضرورت وجود بناهایشان هنوز احساس می شود. لوکور بوژیه معمار مدرنیست پیش از این گفته بود که بناها دستگاہهایی برای زندگی کردن در آن ها هستند، اما در اواخر دهه ی شصت و اوایل دهه هفتاد نتایج این نوآوری های مدرنیستی اساساً به پرسش کشیده شد. ( آلن ص ۲۶۲)

معماران و نظریه پرداز پسامدرن ، چارلز جنکز در کتاب خود پسامدرنیسم چیست؟) از فروپاشی برج « رنان پوینت» در لندن در سال ۱۹۶۸ و انهدام بنای مدرنیستی پروئیت- ایگو در سنت لوئیس در سال ۱۹۷۲ به عنوان شاهد مهمی از چالش فرهنگی عامه گرایانه با زیبایی شناسی مدرنیستی یاد می کند. همایش اکنون مشهوری با عنوان دوسالانه معماری در سال ۱۹۸۰ در ونیز با حضور جنکس پائولو بورتوکسی و دیگر معماران پسامدرن منتسب به پسامدرنیسم برگزار شد . اغلب به عنوان وهله ای مطرح می شود که این زیبایی شناسی نوین به طور کامل تبیین شد. جنکس، با اشاره به شعار این همایش سرشت سراسر بینامتنی جنبش معماری پسامدرن را یادآور می شود. حضور گذشته (جنکز ۱۴: ۱۳۷۹)

به نظر جنکس، عصر پسامدرن « زمانه ی گزینش بی وقفه عصری است که هیچ عرفی نمی تواند بدون خودآگاهی و بازی کنایی اتخاذ شود زیرا همه ی سنت ها از کارآمدی هایی برخوردار به نظر می رسند . ( آلن ص ۲۶۳)

جنکس، با آغاز کردن از نقطه ی مشابهی با بنیاد نقد جیمسون بر فرهنگ اقتباسی، راستای مثبت تری در پیش گرفته این موقعیت را به عنوان موقعیتی در نظر می گیرد که امکاناتی برای اشکال رادیکال رویه بینامتنی، یا آنچه خود به تعبیری بیشتر باختیتمی رمز گذاری مضاعف می نامند، مهیا می کند: (بیات و همکاران، ۱۰۱-۱۰۲، ۱۳۸۷)

پسامدرنیسم آمیزه ی التقاطی همه ی سنت ها و همه ی گذشته های محسوس است. پسامدرنیسم هم استمرار مدرنیسم است هم برگزشتن از آن. بهترین آثار پسامدرنیستی آشکارا کنایی و برخوردار از رم گذاری مضاعف اند، زیرا این ناهمگونی به آشکارترین وجه در تکرار گرایایی ما جاری است. سبک نا هم رگه ی پسامدرنیسم در تقابل با کمینه گرائی ایدئولوژی مدرن متأخر و همهی نوسازی هایی است که مبتنی بر جزم ها و ذائقه ی انحصاری اند. ( آلن ص ۲۶۳)

## نتیجه گیری

معماری مدرنیستی از اشکال عامه پسند اجتناب می ورزند پسامدرنیسم سبک ها و اشکالی را که قبلاً متعلق به فرهنگ والا یا فرهنگ عامه پسند محسوب می شدند به بازی گرفته و آن ها را با هم در می آمیزد. به این ترتیب معماری پسامدرنیستی رویه ی بینامتنی را در بر می گیرد که در صدد منعکس کردن موجودیت استفاده کنندگان از یک بنا است. از این رو پسامدرنیسم به دفاع از معماری می پردازد که:

بنیان حرفه ای و عامه پسندی همتراز با معماری دارد که بنیانش بر فنوت تازه و الگوی قدیمی است. رمز گذاری مضاعف به بیان ساده به معنای در بر گرفتن هر دو وجه نخبه / عامه و نو / کهنه بوده، و دلایل مجاب کننده ای برای این ازواج تقابلی دارد. ( آلن ص ۲۶۴)

بحث جنکس در مورد افزوده های جیمز استرلینگ به بنای « استاتس گالری» در اشتوتگارت نمونه ای از این رویه ی بینامتنی برخوردار از رمز گزاری مضاعف در اختیار می گذارد. «پالاتروی ال شکل گالری قدیمی بازسازی و بر پاسنگی بلند، یا آکرو پولیس بر فراز آمد و شدها جا می



گیرد». در پای این بنا توقفگاهی تعبیه شده که به صورت کنایی با سنگ هایی همچون آوارها به زمین «افتاده ند» خط کشی شده است. جنکس ادامه می دهد:

ای حفره های ایجاد شده نشانگر آن ساخت واقعی اند- نه تکه سنگ های مرمر عظیم اکروپولیس واقعی، بلکه چارچوبی فولادی که سنگ ها را به گونه ای در میان گرفته که مجرای برای تهویه سی ضروری هوا مهیا می کند. می توان بر این ویرانه های جعلی نشست و در حقیقت معصومانه ی از دست رفته خویش تعمق کرد. در اینکه ما در عصری زندگی می کنیم که می تواند ساخت و ساز زیبا مهیا کند و آن را به شکلی رو کاری درآورده و بر یک اسکلت فولادی آویز کنیم. مدرنیست ها البته ود و ما را به چند دلیل از این لذت محروم می کنند. درستی سازمانه ها، انسجام منطقی، سر راست بودن، سادگی همه ی آن ارزش ها و مجاز های سخن ورانه یی که مدرنیست ها چون لوکوربوزیه و مبیس ون در روهه گرامی می داشتند. (حکیمیان، ۱۳۸۰)

استرلینگ در کار خود در استاتس گالری سبک های یونان قدیم را با ارجاعاتی به آثار هنوز پابرجای قرن هجدهمی، ماندگارگرایی مدرنیستی و رنگ های پر جلای اکنون رایج برای رنگ آمیزی نرده هایی که در ایستگاه تاکسی نصب شده اند، در هم می آمیزد. (آلن صص ۲۶۵)

نرده های سرخ و آبی و چند رنگ مهیج با روحیه جوانان بازدیدکننده از این موزه سازگاری دارد- حال آنکه کلاسیسم بیشتر برای دوست داران شینکل مناسب است ... تکثرگرایی که اغلب در توجیه پسامدرنیستی به کار می رود در اینجا یک واقعیت ملموس است. (آلن صص ۲۶۵)

پسامدرنیسم استرلینگ، با انعکاس همنشینی های معاصر و تکثر سبک ها و گروه بندی های فرهنگی ایی که جو آن واقع شده و در استفاده کنندگان از آن تبلور می یابند، مظهر بعد بینامتنی و برخورد از رمز گذاری در معماری مضاعف پسامدرن است. پسامدرنیسم جنکس، به دور از اقتباس بی عمقی که مورد تشخیص جیمسون بوده، به گونه ی بینامتنی می نماید که دیگر بار این اصطلاح را به تأکید باختی ن بر موقعیت مندی اجتماعی «زبان» (در این جا) معماری ربط می دهد. (آلن صص ۲۶۵)

منابع:

- جنکز، چارلز، ۱۳۷۹، مدرنیسم چیست؟، مترجم فرهاد مرتضایی، ناشر کلهر
- ر.ک پست مدرنیسم، مارشال برمن، پست مدرنیسم (مجموعه مقالات) تدوین و ترجمه، حسینعلی نوروزی، مقاله دوم، صص ۴۱
- پست مدرنیسم و اسلام، اکبر ص احمد، ۱۳۸۰، ترجمه فرهاد فرهمندفر، نشر ثالث، تهران
- پسامدرنیته، (بوید لایون، ترجمه محسن حکیمی، آشتیان، تهران ۱۳۸۰
- در امدی بر مکاتب و اندیشه های معاصر، عبدالرسول بیات و همکاران، صص ۱۰۱-۱۰۲
- گراهام، آلن، ۱۳۸۹، مترجم یزدانجو
- گراهام، آلن، ۱۳۸۰، بینامتنیت

- نامور مطلق، بهمن، ۱۳۸۷، تحلیل بینامتنی تا تحلیل بینا گفتمانی، ۱-۳
- نامور مطلق، بهمن، ۱۳۸۸، تحلیل بینامتنی تا تحلیل بینا گفتمانی، پژوهش نامه فرهنگستان، شماره ۱۲، بهار
- ب. نامور مطلق، "بینامتنیت و ژولیا کریستوا: تولد و آغاز یک ماجرا"، مجموعه مقالات هم اندیشی نشانه شناسی هنر ( ۱ )، ۱۳۸۷
- نامور مطلق، "باختین، گفتگومندی و چند صدایی مطالعه پیشابینامتنیت باختینی"، پژوهشنامه دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه شهید بهشتی، صفحات: ۱-۲۲، ۱۳۸۷.
- نامور مطلق، "رویکرد بینامتنی و ترامتنی به هنر اسلامی" جستارهایی در چیستی هنر اسلامی، ۱۳۸۸.
- نامور مطلق، "بینامتنیت و بینامتنیت ها" بینامتنیت در ادبیات و هنر، ۱۳۸۷.
- نامور مطلق، "مهاجرت و بینامتنیت" هم اندیشی تخیل و مهاجرت، ۱۳۸۷.
- درآمدی بر بینامتنیت نظریه ها و کاربردها، سخن، تهران، ۱۳۹۴،
- درآمدی بر بینامتنیت نظریه ها و کاربردها، سخن، تهران، ۱۳۹۰
- اسطوره متن بینانسانه ای حضور شاهنامه در هنر ایران"، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، تهران، ۱۳۸۹.
- فضای متحرک، فضاهاى بینافضایی: مطالعه مورد تراگفتمانی فضایی"، سخن، تهران، ۱۳۹۱،

Archive of SID